

# مراسم جشن و عزا، بدعت و حرام است!



## مراسم جشن و عزا، بدعت و حرام است!

بابرپایی مراسماتی که در آنها فضایل و مناقب پیامبر خدا و اولیاءالله تلاوت شود در حقیقت فرمان خدا در زمینه مهرورزی و تکریم و ترفیع آنان به اجرا درآورده شده و این می تواند مصداق عینی تعظیم شعائر الله باشد. اما این گونه مراسمات در پندار و عقاید وهابیت بدعت و حرام بوده و برای این عقیده خود ادله ای بیان می کنند که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

مساله بزرگداشت اولیاء الهی، از جمله عوامل مهمی است که در تقویت ایمان و تثبیت ارزش های معنوی و بنیادهای اخلاقی، نقش بسزایی دارد، یادآوری خاطره انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین و رهروان راستین مکتب انبیاء، و مراتب ایمان و تقوا و جهاد و فداکاری آنان و این که آنها چگونه با کوشش و تلاش در راه خدا به مقام قرب الهی رسیده اند و از گروه هدایت یافتگان شده اند، انگیزه نیرومندی را در وجود انسان ایجاد می کند که او را در جهت اقتدا و الگو گیری از آنها و افتادن در مسیر تکامل یاری می دهد. با این همه کوردلان وهابی با استدلالهای واهی به مقابله با این مساله پرداخته و در فتاوای خویش هر گونه بزرگداشت، جشن، و جلسه یادبود و عزاداری را برای اولیاء خدا حرام دانسته، و با آن به مقابله می پردازند. چنانکه بسیاری از فقهای گذشته و معاصر حتی برگزاری مجاس بزرگداشت و یادبود میلاد رسول اکرم را بدعت خوانده و حرام می دانند. در این نوشتار نیز برآنیم تا با پردازش این مساله از زوایای گوناگون، مشروعیت مساله بزرگداشت اولیاء و پوچ و غیر علمی بودن استدلالهای وهابیت در منع این مساله را به اثبات رسانیم.

### بهانه های واهی برای تحریم بزرگداشت ها:

برای پی بردن به سستی مدعای وهابیان در مورد بزرگداشت اولیاء الهی، کافیت نگاهی کوتاه و گذرا به شیوه استدلال و بررسی ادله آنان در تحریم این سنت حسنه بیانداریم. دایره مفهومی ادله ای که ذیل مساله تحریم بزرگداشت ها، مطرح و ارائه می گردد صرفا در بیان برخی احتمالات ضعیف و بعید الذهن، خلاصه می گردد که هیچگونه ریشه و بافت اعتقادی و تاریخی در دین نداشته و صرفا ساخته و پرداخته اذهان مشوش این گروه می باشد. در اینجا به برخی از گفتارها و ادله تحریم وهابیان در این مساله اشاره می کنیم:

1- عبد العزیز بن باز مفتی و رئیس سابق هیئت عالی فتوای عربستان، در کتاب خویش با نام حراسة التوحید می نویسد:

« جشن گرفتن برای میلاد پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و یا کسی دیگر جایز نیست؛ چون این کارها از بدعت هایی است که در دین ایجاد شده است و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و خلفای راشدین و دیگر صحابه رضوان الله علیهم و تابعین در قرن هایی که فضیلت داده شده اند این کار را نکرده اند و حال آنکه آنها سنت را بهتر می دانسته اند و بیشتر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را دوست می داشته اند و از بعدی ها بیشتر پیرو ایشان بودند» (1)

وی در قسمتی دیگر از این کتاب، بهانه ای واهی را مستمسک استدلال خویش قرار داده و می گوید:

«...ایجاد چنین جشن هایی برای میلاد پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به معنی این است که خداوند دین را برای این امت کامل نکرده است و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آنچه را که امت باید انجام دهد به امت نرسانیده است، تا اینکه این ها آمده اند چیزهایی در شریعت خداوندی ایجاد کرده اند که به آن فرمان نداده است، و گمان می برند این کار آنها را به خدا نزدیک می کند، تردیدی نیست که این خطر بزرگی است و به معنی اعتراض کردن بر خداوند و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می باشد و حال آنکه خداوند دین را برای بندگانش کامل نموده و نعمت را بر آنها اتمام کرده است.» (2)

بیشتر آیاتی که درباره مناسک حج در قرآن آمده به نوعی بزرگداشت یاد انبیاء و اولیاء است؛ به طور مثال خداوند در قرآن می فرماید: «وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّی»؛ و (برای تجدید خاطر) از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید

از دیگر بهانه های وی احتمال بروز گناه در این جلسات می باشد. ظاهراً وی به جای اینکه جلسات بزرگداشت را که عمدتاً با نگاهی ارزشی، آرمانی و تکاملی و با توجه به سنتهای اصیل دینی بر پا می گردد را با مجالس لهو و لعب اشتباه گرفته و می گوید:

«...و اغلب این جشن ها با اینکه بدعت هستند منکرات دیگری همچون اختلاط زنان و مردان و استفاده از موسیقی و نوشیدن چیزهای مست کننده و مخدر و غیره را به همراه دارند، گاهی منکرات بزرگتر از این در آن یعنی شرک اکبر رخ می دهد و بر پا کنندگان مراسم با غلو در وصف رسول خدا یا در وصف دیگر اولیا و به فریاد خواندن پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و کمک خواستن از او و اعتقاد داشتن به او که او غیب می داند و دیگر امور کفر آمیزی که بسیاری از مردم در جشن میلاد دچار شرک اکبر می گردند،» (3)

2- محمد بن عبد الوهاب بنیان گزار وهابیت، که امروز وهابیت سخنان او را از سخنان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)

با ارزش تر می دانند، که این نیز مورد اعتراض بعضی علمای وهابی قرار گرفته، در مورد جلسات بزرگداشت، چنین تعبیری دارد:

«و من قبائح هؤلاء الرافضة، أنهم يتخذون يوم موت الحسين. .. كل مؤمن منع هؤلاء المبتدعه من هذه البدعة القبيحة.» (4)

یکی از کارهای قبیح خارج شدگان از دین (شیعیان)، این است که شهادت حسین را، ایام عزا اعلام می کنند و اینها با یا حسین گفتن، کارهای خلافی انجام می دهند، نوحه کردن و عزاداری کردن از بزرگ ترین منکرات دوران جاهلیت است. بر این عزاداری های شیعیان برای حسین هم محرمات و هم منکرات مترتب است. اگر کسی عزاداری کند یا راضی به عزاداری باشد یا کمک به عزاداری کند یا اجیز برای عزاداری شود، همه اینها در بدعت شریک اند و بر همه مؤمنین واجب است که این شیعیان را از این بدعت قبیح، نهی از منکر بکنند.

3- محمد حامد فقی، نیز که ریاست جماعت «انصار السنه المحمدیه» را بر عهده دارد، در پاورقی های خود بر «الفتح المجید» می نویسد: یادواره ها و برپا کردن جشن در ایام ولادت یا وفات اولیاء پرستش آنان حساب می شود و یک نوع عبادت و تعظیمی نسبت به آنان محسوب می گردد.

4- شورای دائمی فتوای وهابیان در فتوایی می گویند: «برگزاری مراسم در سوگ انبیاء و صالحین و زنده کردن یاد آنان در روز تولدشان جایز نیست و نیز برداشتن عَلم، چراغانی و شمع نصب کردن بر قبورشان و...؛ زیرا تمام این امور از بدعت هایی است که در دین وارد شده و از موارد شرک است و پیامبر صلی الله علیه [وآله] و سلم و انبیاء و صالحین گذشته آن را انجام ندادند....» (6)

5- در رأس آنها ابن تیمیه می گوید: «... نوع دوم از ایام، ایامی است که در آن اتفاقی رخ داده است؛ مانند هجدهم ذیحجه و اینکه برخی آن روز را عید می گیرند که اصل و اساسی ندارد؛ زیرا پیشینیان و نیز اهل بیت و دیگران آن روز را عید نگرفتند تا چه رسد به اینکه در آن روز اعمالی هم انجام شود و اعیاد، شریعتی از شرایع است که واجب است در آن از دستور متابعت کرد، نه آنکه بدعت گذاری کرد... این عمل مانند عمل نصارا است که حوادث حضرت عیسی علیه السلام را عید می گرفتند.» (7)

مساله ای که وهابیان بدان توجه نکردند:

نگاه خوشبینانه ای که بعید به نظر می رسد، گویای اینست که وهابیان در استدلالها و فتاوی خویش غیرعامدانه و از روی تغافل از کنار بسیاری از ادله محکم عقلی و آیات و روایات عبور نموده و نا خواسته در ارائه فتاوی خویش راه ناصواب را پی می گیرند. از این رو در مساله بزرگداشت اولیای خدا نیز مانند برخی دیگر از مسائل کلامی و فقهی راه ناصحیح را پیموده اند که منجر به مشتبه شدن این دست از مسائل نزد آنان شده است. البته این در حالیست که در سامانه مورد ادعایشان، آنان را از هر گونه بی منطقی، غرض ورزی، و فرا فکنی در پاسخگویی منزه بدانیم، که این با توجه به تعصب کوری که در این گروه نهفته است، امری خلاف واقع و بعید الذهن می نماید. با این همه در چند بخش کوتاه اشتباهات و غفلت ورزیهای این گروه را در مساله فوق الذکر بررسی می کنیم:

از جمله ریشه های اشتباهات وهابیان در اینست که آنان در مساله شرک و توحید و مفهوم «عبادت»، حد و مرزی تعیین

نکرده اند، از این جهت هر نوع بزرگداشت را عبادت و پرستش تصور نموده اند. در حالیکه تعظیم و بزرگداشت با مفهوم عبادت و ستایش تفاوت دارد. چرا که قرآن کریم، کراراً گروهی از انبیاء و اولیاء را با جمله های فصیح و بلیغ ستوده است. و از آنان به عظمت یاد نموده است که این خود نوعی از تعظیم و بزرگداشت به شمار می آید:

چنانکه درباره ی حضرت زکریا و یحیی و... می گوید: «انهم کانوا یسارعون فی الخیرات و یدعوننا رغبا و رهبا و کانوا لنا خاشعین». (8) آنان به کارهای نیکو می شتافتند و با امید و بیم، ما را می خواندند و در برابر ما فروتن بودند.

1- درباره بزرگداشتهایی که وهابیان بدعت در دین می خوانند، باید گفت که اساس بدعت در شرع به این نکته باز می گردد که چیزی را به عنوان یک امر شرعی به کار برند، در حالی که برای مشروعیت آن، اصل یا ضابطه ای در شرع وجود نداشته باشد؛ ولی هرگاه کاری را که انسان به عنوان یک عمل دینی انجام می دهد، دلیل شرعی ای (به صورت خاص، یا کلی و عام) بر مشروعیت آن وجود داشته باشد، آن عمل بدعت نخواهد بود.

چنانکه ابن حجر عسقلانی، دانشمند مشهور اهل سنت، نیز می گوید: بدعت چیزی است که (پس از پیامبر) پدید آمده باشد و دلیلی حاکی از جواز آن در شریعت یافت نشود؛ و آن چیزی که دلیل و ریشه ای در دین دارد، بدعت نخواهد بود. (9)

بنابراین، هرگاه عملی را که به شرع نسبت می دهیم مستند به دلیلی خاص یا ضابطه ای کلی در شرع باشد، مسلماً بدعت نخواهد بود. صورت نخست (وجود دلیل خاص) نیاز به بیان ندارد. مهم توضیح قسمت دوم است، زیرا چه بسا ممکن است یک عمل ظاهراً حالت نوآوری داشته و در تاریخ اسلام بی سابقه باشد ولی معنأً تحت ضابطه ای قرار گیرد که شرع اسلام آن را به صورت کلی پذیرفته است. برگزاری موالید و وفیات از این قسم است؛ انبوه مسلمانان جهان روز میلاد پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) را جشن می گیرند زیرا استحباب اظهار

محبت به پیامبر گرامی اسلام و خاندان او - سلام الله علیهم اجمعین - یکی از اصول مسلم اسلام است که این گونه جشن های مذهبی جلوه و مظهری از آن اصل کلی است. رفاعی از علمای اهل سنت در این رابطه می گوید: « هر کاری را که پیشینیان انجام نداده اند و در صدر اول نبوده دلیل بر آن نیست که بدعت، منکر و حرام است، بلکه لازم است که هر چه را حادث می شود بر ادله شرع عرضه نمود، آنچه را که مشتمل بر مصلحت است واجب می باشد... و نیز هر نوآوری، بدعت و حرام نیست، و اگر چنین بود باید کار ابوبکر و عمر و زید بن ثابت هم حرام باشد که دستور دادند قرآن جمع و تدوین شود تا با مرگ صحابه قاری، آیات خدا از بین نرود! و نیز جمع و تدوین احادیث شریف در کتب صحاح و سنن و دیگر مصادر، صحیح نباشد و نیز نباید علم فقه و تجوید و توحید و دیگر علوم از علوم شرعی که بعد از عهد نبوی شریف، تصنیف و ابتکار شد تألیف گردد.» (10)

2- تاریخ گواهی می دهد که از زمان های دور، مسلمانان جهان، روز ولادت پیامبر گرامی را در هر سال جشن می گرفتند و خطیبان به ذکر مدایح آن حضرت می پرداختند. در عزاداری ها نیز امت اسلامی با تشکیل مراسم سوگواری یاد بزرگی را که از میانشان رخت بر بسته بود را گرامی می داشتند. که این سنت مرسوم، صدها سال است که در بلاد اسلامی رواج داشته و دارد.

چنانکه قسطلانی، از علمای مشهور قرن نهم، درباره جشن هایی که در ماه ولادت پیامبر انجام می گیرد، چنین می گوید:

مسلمانان، پیوسته در ماه میلاد پیامبر جشن می گیرند. اطعام می کنند. شب ها به پخش انواع صدقات می پردازند. اظهار شادمانی کرده و نیکی ها را دو چندان می کنند. و به قرائت اشعاری در تهنیت ولادت آن حضرت می پردازند. برکات آن حضرت در هر سال نمایان می شود. رحمت خدا بر کسانی باد که شب های ماه میلاد او را عید گرفته و دردی بر دردهای کسی که در قلب او مرض هست، می افزایند. (11)

حسین بن محمد بن حسن، معروف به «دیاریکری» نیز، که از قضات مکه به شمار می رفت، در تاریخ خود می نویسد: مسلمانان پیوسته ماه میلاد پیامبر (ص) را جشن می گیرند. اطعام می کنند. شب ها صدقه می دهند. اظهار سرور و شادمانی می کنند. در نیکی به فقیران اصرار می ورزند. به خواندن مولودیه می پردازند و کرامات آن حضرت در هر زمانی نمایان می گردد. (12) این دو نص تاریخی که مربوط به قرن دهم است، نشان می دهد که بزرگداشت روز ولادت اولیای الهی در تاریخ اسلام، ریشه دیرینه داشته و علما و دانشمندان مسلمان بر این عمل صحه می نهاده اند و این عمل مفهومی جز اظهار مودت به ساحت پیامبر ندارد. ابن قیم جوزی، شاگرد مشهور ابن تیمیه، و از بن مایه های فکری وهابیت، در حوادث 352 هجری می گوید:

«فی الیوم العاشر من المحرم. .. علی الحسین علیه السلام. ..» (13)

در بغداد، مردم شیعه و سنی در ایام عزاداری حسین دکان ها را می بستند، پارچه های سیاه آویزان می کردند، به خیابان ها می ریختند، به سر و صورت می زدند و به برپائی مراسم سوگواری حسین می پرداختند. وی در نقل قسمتی دیگر از تاریخ پیرامون روش مسلمین در عزاداری و تشییع جوینی، امام الحرمین، و متوفای 478 می گوید:

«اول او را در منزلش به خاک سپردند، بعد او را به کربلاء معلی انتقال دادند و در ماتم او منبرها را شکستند، بازارها را تعطیل کردند، مرثیه های فراوانی در مصیبتش خواندند. ایشان 400 شاگرد و طلبه داشت، در عزای او قلم و قلمدان ها را شکستند، یک سال عزاداری کردند و عمامه های خود را به مدت یک سال از سر برداشتند، بدان حدی که کسی جرأت به سر

گذاشتن عمامه را نداشت و در طول این مدت در سطح شهر به نوحه خوانی و مرثیه سرائی پرداختند.» (14)

حضرت ابراهیم

3- از رسومات امت اسلامی که بگذریم، روشن و مبرهن است که آیات قرآن و روایات بهترین گواه برای تعظیم و بزرگداشت اولیاء و صلحاء می باشد. بسیاری معتقدند بیشتر آیاتی که درباره مناسک حج در قرآن آمده به نوعی بزرگداشت یاد انبیاء و اولیاء است؛ به طور مثال خداوند در قرآن می فرماید:

«وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ اِبْرَاهِيمَ مُصَلًّی»؛ (15) و (برای تجدید خاطره) از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید.

در صحیح بخاری در این مورد روایتی است که خلاصه اش این است: هنگامی که ابراهیم و اسماعیل خانه کعبه را بنا می کردند، اسماعیل سنگ می آورد و ابراهیم بنا می کرد تا اینکه دیوار بلندی یافت و ابراهیم از جابجایی سنگها ناتوان شد، پس بر روی سنگ مقام ایستاد و اسماعیل سنگها را به دست او می داد. (16)

از همین رو خداوند سبحان مردمان را فرمان داده تا از قدمگاه ابراهیم در بیت الله الحرام تبرک جویند و از آن نمازگاه برگیرند تا یاد ابراهیم (علیه السلام) زنده و جاوید گردد، و هیچ اثری از شرک به خدا هم در آن نیست. از سویی دیگر نیز، قرآن مجید بر کسانی که پیامبر اسلام را گرامی می دارند نیز ارج می گذارد و می فرماید: «قَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي اُنزِلَ مَعَهُ اُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (17)

آنان که به پیامبر ایمان آوردند و او را گرامی داشته، یاریش کردند و از نوری که (قرآن) به او فرستاده شده است پیروی کنند، رستگارانند.

جمله هایی که در این آیه وارد شده است، عبارتند از: 1 - آمَنُوا بِهِ 2 - عَزَّرُوهُ 3 - نَصَرُوهُ 4 - وَاتَّبَعُوا النُّورَ... به طور مسلم جمله های: آمَنُوا بِهِ، نَصَرُوهُ، وَاتَّبَعُوا النُّورَ و نیز جمله «عَزَّرُوهُ» که به معنای تعظیم و تکریم است، مخصوص زمان پیامبر نیست و این رهبر عالیقدر، پیوسته باید مورد احترام و تعظیم باشد؛ به همین دلیل ترتیب دادن مجالس یادبود در روزهای بعثت و ولادت، القای خطابه و سخنرانی و قرائت اشعار سازنده، مصداق روشن «وَعَزَّرُوهُ» است.

تعظیم و بزرگداشت با مفهوم عبادت و ستایش تفاوت دارد. چرا که قرآن کریم، کراراً گروهی از انبیاء و اولیاء را با جمله های فصیح و بلیغ ستوده است. و از آنان به عظمت یاد نموده است که این خود نوعی از تعظیم و بزرگداشت به شمار می آید

همچنین قرآن کریم پرده از ماجرای بر می دارد که حضرت مسیح علیه السلام از خداوند بزرگ مائده آسمانی می طلبد و روز نزول آن را روز عید معرفی می کند و می فرماید: «رَبَّنَا اُنزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيداً لِأُولَئِنَّا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ...» (18)

پروردگارا! از آسمان مائده ای بر ما بفرست! تا برای اول و آخر ما، عیدی باشد، و نشانه ای از تو و به ما روزی ده! تو بهترین روزی دهندگانی!

آیا ارزش وجود پیامبر گرامی کمتر از یک مائده آسمانی است که حضرت مسیح (ع) روز نزول آن را، عید اعلام می دارد؟ اگر عید گرفتن آن روز بخاطر این بود که مائده آیت الهی بود، آیا پیامبر اسلام بزرگترین آیت الهی نیست؟.

از سویی دیگر نیز در کتب روایی اهل سنت، پیرامون مشروعیت بزرگداشت انبیاء و اولیاء روایات زیادی وارد شده که ما به نمونه هایی از آنها اشاره می کنیم:

مسلم در صحیحش از ابی قتاده نقل می کند: (20)؛ پیامبر صلی الله علیه وآله بعد از نبوتش از

طرف خود گوسفندی را عقیقه کرد، با آن که در روایات وارد شده که جدش عبدالمطلب برای پیامبر در روز هفتم ولادتش گوسفندی را عقیقه کرده بود.»  
سیوطی می گوید: «عقیقه دو بار تکرار نمی شود، لذا باید این عمل پیامبر صلی الله علیه وآله را بر این حمل کنیم که پیامبر به سبب اظهار تشکر از خداوند به این علت که او را آفریده و او را رحمتی برای عالمیان قرار داده است، عقیقه کرد؛ همان گونه که آن حضرت بر خود درود می فرستاد و به همین خاطر مستحب است که ما هم به جهت شکرگزاری به درگاه الهی، در روز ولادتش اجتماع کرده و با اطعام دادن و امثال این امور که جنبه تقریبی دارد و اظهار شادمانی شکر خدا را اظهار نماییم.» (21)

نتیجه:

هرگاه مسلمانان در هر روز و شبی و هر ماه و سالی مجلسی تشکیل دهند و در آن، فضائل و مناقب پیامبر اسلام و اولیاء خدا را یادآور شوند و آیاتی که پروردگار در حق آنان فرموده، تلاوت نموده و اشعاری را در مدح آنان بسرایند، در حقیقت فرمان خدا را در زمینه مهرورزی و تکریم و ترفیع آنان به اجرا درآورده اند. و این می تواند مصداق عینی تعظیم شعائر الله باشد که پروردگار متعال فرموده است: وَمَنْ يُعْظِمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ (22)

پی نوشت ها

- 1- ترجمه حراسه التوحید، ص 94
- 2- همان ص 97
- 3- همان ص 100
- 4- رساله فی الرد علی الرافضة، صفحه 46 الی 49
- 5- فتح المجید، ص 154
- 6- فتاوی اللجنة الدائمة، الرئاسة العامه للبحوث العلمیة و الافتاء، ج 3، ص 54
- 7- اقتضاء الصراط المستقیم، ج 17، ص 3
- 8- سوره انبیاء آیه 90
- 9- فتح الباری، ج 13، ص 254
- 10- مجله السیاسیة الكويتیة، 23 ربیع الاول، 1402ق، شماره 4870
- 11- المواهب اللدنیة، ج 1، ص 27
- 12- تاریخ الخمیس، ج 1، ص 323
- 13- المنتظم، ج 4، ص 208
- 14- همان، ج 18، ص 468، سیر أعلام النبلاء للذهبی، ج 15، ص 480
- 15- سوره بقره، آیه 125
- 16- صحیح بخاری، ج 8، ص 434.
- 17- سوره اعراف، آیه 157
- 18- سوره مائده 114، آیه
- 19- صحیح مسلم، ج 3، ص 167.
- 20- الحاوی للفتاوی، ج 1، ص 188.
- 21- همان
- 22- سوره حج، آیه 32